

هو الله - پاک یزدانا، جمعیم پریشان تو. بیگانه ایم خویشان تو افسرده ایم شعله بر افروز.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۰۴

هو الله

پاک یزدانا، جمعیم پریشان تو. بیگانه ایم خویشان تو افسرده ایم شعله بر افروز. پژمرده ایم دلها را باآتش محبت بسوز. هر چه هستیم آشفته روی توایم و سر گشته کوی تو بیچاره ایم و آواره، افتاده ایم پر آه و ناله، ذراتیم ولی در هوای تو اوج یافتیم، قطراتیم ولی در موج یم تو شتافتیم. این خفتگان را بیدار فرما و این آوارگان را هشیار. این سیاره های باختر را اختران خاور کن و این گیاه های بی ثمر را درختان بارور. اگر چه ما موران ذلیم اما تو سلیمان پر حشمت سلطنت جلیل. اگر چه ما خوار و گنه کاریم اما تو بزرگوار و آمرزگار. در استعداد و استحقاق نظر مفرما و در تعینات و قابلیت ملاحظه مکن. در فضل و جود خویش بر بیگانه و خویش نظر نما اگر موج دریای بخشش و دهش اوج گیرد عالم آفرینش را مستغرق نماید. اگر انوار ساطعه خورشید آمرزش بدرخشد ظلمات حالکه سیئات و خطیئات را پرتوی محو نماید تجلی ماء طهور است و فیض اصل صهبای کأس مزاجها کافور. آن هر آلوده را پاک نماید و این هر افسرده و پژمرده را چابک و افروخته و چالاک ای پروردگار این حروف مفرده را کلمات تامات کن و این کلمات مجمله را آیات باهرات، تا حجج بالغه گردند و رحمت سابقه حقیقت فائقه شوند و نعمت سابقه مصابیح علا گردند و مفاتیح ابواب تقی. نجوم هدی شوند و رجوم نفس و هوی. حقیقت فائضه گردند و عروق و شریان نابضه اشجار بوستان تو شوند و ازهار گلستان تو



ORIGINAL



AUDIO

ای خدای مهربان این جمع پریشان هریک از کشوری و بومی و مرزی و ثغوری، یکی شرقی و دیگری غربی یکی جنوبی و دیگری شمالی. همچنانکه این بیچارگان را در ملک ادنی در اشرف نقطه از ثری بعد از بقاع علیا جمع فرمودی امیدواریم که بفضل و جودت و عنایت و موهبتت در اشرف نقطه از ملکوت اعلی جمع فرمائی. تا کلّ در ظلّ سدره منتهی بیارامیم و بنعمت فوز بقاء فائز ربّ حَقّق ذلک بفضلک و جودک (ع ع)

